

اصول سیاست گذار تقنینی در سامان عدالت کیفری ایران نسبت به حقوق دفاعی متهم و نهاد وکالت

عباس گرامیان^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۳/۱۰

قباد کاظمی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۵/۲۵

مسعود قاسمی^۳

چکیده

مرحله تحت نظر به عنوان یکی از مراحل دادرسی کیفری، در قانون آیین دادرسی کیفری با جهش فوق‌العاده نسبت به قانون سابق، اصول و حقوق مترتب بر این مرحله را با جزئیات کامل اصلاح کرده است و با سختگیری بر ضابطان دادگستری تا حد زیادی نحوه برخورد آنها با افراد تحت نظر را انتظام بخشیده است. در این پژوهش که به روش توصیفی - تحلیلی و با هدف تبیین سیاست تقنینی و قضایی ایران در قلمرو حقوق دفاعی متهم و نهاد وکالت مورد نگارش شده است، یافته‌های حاکی از آن است که: الف) قانون جمهوری اسلامی ایران اصل دسترسی به وکیل را با وجود اشاره قانون اساسی، با محدودیت روبه‌رو و شخص تحت نظر را در اخذ مشاوره حقوقی خصوصاً مشاوره‌های رایگان با دشواری روبه‌رو نموده است. ب) اصل قانونی بودن دستگیری و نگهداری متهم تحت نظر و منع دستگیری و بازداشت خودسرانه، ضابطان را در اجرای این اختیار محدود می‌کند. ج) حق بر اطلاعات همان‌طور که یک اصل بین‌المللی نیز هست، به درستی در حقوق داخلی ورود پیدا کرده ولی به شکل عجولانه‌ای با قید عنوان ضرورت محدود کرده است.

واژگان کلیدی: حقوق دفاعی متهم، نهاد وکالت، سیاست تقنینی ایران، سیاست قضایی ایران

^۱ دانشجوی دکتری، گروه حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

^۲ گروه حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

^۳ گروه حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

سیاست‌های تقنینی مجموعه‌ای از اصول، الزام‌ها و خط‌مشی‌های اجتماعی، سیاسی و شناختی هستند که امر قانون-گذاری را تنظیم کرده و دگرگون می‌سازند. از زاویه‌ای دیگر مسئله‌ی دیالکتیک قدرت و قانون موجب می‌شود نخبگان سیاسی با خطوط قانونی و ساختاری مواجه هستند که میل و تشخیص آن‌ها را به فراتر یا فروتر رفتن از این خطوط ملزم کننده وادار می‌کند. در نتیجه پیوسته شرایط متضادی میان قدرت و قانون به وجود می‌آید (حاضری و محمدی، ۱۳۹۲: ۱۱۴). بداهت عملی شدن سیاست‌های تقنینی که با تصویب قوانین آیین دادرسی کیفری شکل می‌گیرد، از طریق مراجع قضایی اجراکننده‌ی قانون موضوعیت به مصداق عینی می‌یابند. «نقش مراجع قضایی استفاده از اختیارات وسیعی است که استفاده صحیح از این اختیارات می‌تواند مکمل ابزارهای قانونی باشد. نقش اساسی قضات در سیاست جنایی، تفسیری است که در عمل از متون جزایی می‌نمایند و با این اقدام در حقیقت در انشا و ایجاد مقررات و قواعد شرکت می‌کنند [...] بدیهی است آزاد گذاشتن قضات در اجرای «سیاست جنایی شخصی» خودشان که به نظر آنها مفید و مؤثر است، این خطر را به همراه دارد که ذهنی و شخصی باشد و یا قاضی تحت تأثیر وقایع صرفاً محلی قرار گیرد و یا اینکه گرفتار پیش-داوری‌های ناشی از خواستگاه، آموزش و محیط اجتماعی‌اش بشود» (رمضانی و عزیزاده، ۱۳۹۲: ۱۲۹-۱۳۰).

بنابراین سیاست قضایی لزوماً همسو با سیاست تقنینی نهادینه نمی‌شود و بسته به نوع رویکرد و نگاهی که دستگاه قضایی به مسئله دارند، می‌تواند همسو و هماهنگ با سیاست تقنینی نمود یابد، بلکه در چالش و یا حتی تعارض با آن و این همان چالش اصلی است که مسئله را به مثابه یک معضل یا آسیب کلان در خصوص موضوع پژوهش موضوعیت می-بخشد. هر چند اینکه مقنن خود رأساً نسبت به حقوق دفاعی متهم و نهاد وکالت که در این خصوص فوق‌العاده مهم و تعیین‌کننده است، چه موضعی اتخاذ کند نیز فوق‌العاده در قضیه مؤثر و تعیین‌کننده است. ابعاد مسئله را اساساً با ورود و ارزیابی دقیق مفاد مندرج در قوانین آیین دادرسی کیفری کشورهای مختلف می‌توان به مثابه مبنای شکل‌گیری و تحولات سیاست تقنینی و قضایی آن کشورها در خصوص مسئله‌ی مذکور مورد شناسایی و تجزیه و تحلیل قرار داد. بدین ترتیب در پژوهش حاضر نگارنده بر آن است تا ضمن یافتن پاسخ مناسب و جامع به سئوالاتی همچون: موضع سیاست‌گذار تقنینی در سامان عدالت کیفری ایران نسبت به حقوق دفاعی متهم و نهاد وکالت چگونه است؟ در برآیند سیاست قضایی نسبت به حقوق دفاعی متهم و نهاد وکالت در محاکم و مراجع قضایی ایران چه رویکردی اتخاذ کرده است و آیا با سیاست تقنینی در این حوزه همسو و هماهنگ است یا خیر؟

۲. مفهوم شناسی

اصطلاح سیاست جنایی^۱ به عنوان یک رشته‌ی مطالعاتی علمی، نخستین بار توسط آن سلم فون فوئر باخ^۲ به کار رفته است. این عنوان از دو جزء «سیاست^۳» و «جنایت جنایی» تشکیل شده است. واژه‌ی سیاست در معانی متعددی استعمال می‌شود. لسان‌العرب می‌گوید: «سوس» به معنی ریاست است و سیاست نیز در مفهوم «تصدی برای حفظ مصالح مردم» می‌باشد (ابن منظور، ۱۴۰۸، ج ۶: ۱۰۸). گاه نیز سیاست به معنای اداره‌ی کشور و حکم راندن و رعیت‌داری است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۹: ۱۳۸۶۵).. عده‌ای معتقدند که اعراب لغت جنایت را همانند جناح، از «گناه» فارسی اخذ کرده‌اند (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۷، ج ۳: ۱۵۷۱). اندیشمندان در ارتباط با سیاست جنایی تعریف واحدی ارائه ندادند و همین امر موجب پیدایش نوعی ابهام در مفهوم این اصطلاح شده است (حسینی، ۱۳۷۶: ۱۵۳). در عدم صراحت این اصطلاح، همین بس که با بیش از دو سده قدمت، محتوا و حدود متفاوتی برای آن در نظر گرفته شده است تا جایی که متخصصان حقوق کیفری و جرم‌شناسی، مدعی وجود نوعی پارادوکس در این تعاریف هستند.

به عقیده‌ی فوئر باخ، سیاست جنایی مجموعه شیوه‌های سرکوب‌گرانه‌ای است که دولت با توسل به آن‌ها علیه جرم واکنش نشان می‌دهد (لازرز، ۱۳۷۵: ۹) لذا او سیاست جنایی را دارای مؤلفه‌های زیر می‌داند:

- مبتنی بر تدابیر و وسایل قهرآمیز و تنبیهی است.
- جنبه‌ی رسمی دولتی دارد. یعنی صرفاً توسط قوای عمومی تشکیل دهنده‌ی حاکمیت به اجرا گذاشته می‌شود.
- فقط به مبارزه علیه «جرم»^۴ می‌پردازد و به سایر رفتارهای انحرافی^۵ که جنبه‌ی کیفری و ضمانت اجرای جزایی ندارند؛ توجه نمی‌کند.
- پیش‌گیری کیفری از جرم صرفاً با سرکوبی و اجرای مجازات محقق می‌شود.

فون لیست^۶ در تعریف سیاست جنایی به «مجموعی منظم اصولی که دولت و جامعه با توسل به آنها مبارزه علیه بزه و بزهکاری را سازمان‌دهی می‌نماید» (لازرز، ۱۳۸۱: ۱۱)، اشاره می‌کند. او در این تعریف به ماهیت امکانات و اصول سیاست جنایی نمی‌پردازد. دیدگاه او در این قلمرو، به فوئر باخ نزدیک است و مراد وی از سیاست جنایی، عمدتاً همان

^۱ Criminal Policy.

^۲ Anselm Von Feuebach.

^۳ Policy

^۴ پدیده‌ای که تعریف و حد و مرز آن را قانون‌گذار مشخص کرده است.

^۵ انحراف رفتاری است که با هنجارهای مورد قبول جامعه در تعارض است.

^۶ Franz Von Listzt

«سیاست کیفری»^۷ است. وی تأکید دارد که برای تشخیص سیاست جنایی باید دو نکته را مد نظر داشت: پیش‌گیری اجتماعی با هدف حذف کامل یا محدود ساختن شرایط اجتماعی جرم، مبارزه علیه بزه کار.

کوش^۸ در اوایل سده بیستم (۱۹۰۵) به تعیین جایگاه سیاست جنایی در میان سایر رشته‌های علوم جنایی پرداخت. بیش از یک ربع قرن پس از وی، دندی یودو وابر^۹ می‌گوید: «سیاست جنایی یک هنر و فن است که موضوع آن کشف روش‌هایی است که مبارزه‌ی مؤثر علیه جرم را میسر می‌سازد» (لازرژ، ۱۳۸۱: ۱۲). لذا سیاست جنایی شامل همه‌ی شیوه‌هایی نمی‌شود که دولت ممکن است در اختیار داشته باشد و علیه بزهکاری به اجرا گذارد. بنابراین سیاست جنایی «پیشگیری»^{۱۰} را در بر نمی‌گیرد. در این مفهوم امر پیش‌گیری از وظایف دولت است، زیرا پیش‌گیری به هر میزان که مؤثر واقع شود؛ موجب محو کامل پدیده‌ی مجرمانه نیست. این طرز تفکر تا اواسط سده بیستم بر اندیشه‌ی اندیشمندان علوم جنایی حاکم بوده است (آنسل، ۱۳۷۵: ۵۱).

در ادامه‌ی فرایند تحول مفهوم سیاست جنایی، میری دلماس مارتی^{۱۱} رویکردی بدیع و منحصر به فرد داشت. وی با در نظر گرفتن تحولات کمی و کیفی در انواع جرایم و نحوه‌ی مبارزه با آن‌ها و با تجدید نظر در تعریف فوئرباخ آلمانی اظهار داشت: «سیاست جنایی شامل مجموعه روش‌هایی می‌شود که هیات اجتماع با توسل به آنها، پاسخ به پدیده‌ی مجرمانه را سازمان می‌بخشد» (لازرژ، ۱۳۸۱: ۱۵). حقوق کیفری در این دیدگاه، حضور بسیار محسوسی خواهد داشت، اما ابزارهای کیفری در قلمرو سیاست جنایی، دیگر تنها نیستند؛ بلکه همراه آنها، شیوه‌های دیگر کنترل اجتماعی از نوع غیرکیفری^{۱۲} و گاه حتی غیردولتی^{۱۳} وجود دارد. در این مفهوم، اجتماع نیز به مشارکت در راهبرد سیاست جنایی کمک شایانی می‌نماید.

بنابر توضیحات دلماس مارتی درباره‌ی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی، این مفهوم نسبت به گذشته باز هم گسترش یافته است زیرا: برخورد با پدیده‌های مجرمانه، ماهیت «کیفری» محض ندارند؛ لذا صرفاً از نظام‌های کیفری ناشی نخواهند شد، بلکه سایر نظام‌های حقوقی^{۱۴} نیز علیه پدیده‌ی مجرمانه پاسخگو خواهند بود. بدین ترتیب می‌توان گفت که اکنون

^۷ Penal Policy.

^۸ Cuche.

^۹ Donnedieu de vebres.

^{۱۰} Prevention.

^{۱۱} Mireille Delmas Marty.

^{۱۲} مانند ضمانت اجرای اداری غیر سرکوب‌گر از قبیل پیشگیری، جبران و ترمیم خسارت، میانجی‌گری و ...

^{۱۳} شیوه‌های سرکوب‌گر افراد شبه نظامی خصوصی و اقدام‌های اعتراضی از نوع اقدامات سازمان عفو بین‌الملل.

^{۱۴} مانند نظام حقوق اداری، نظام حقوق مدنی، نظام حقوق انضباطی انتظامی، نظام حقوق مالیاتی، نظام حقوق اجتماعی (حقوق کار و تأمین اجتماعی).

سیاست جنایی شامل جرم و انحراف است و کلیه تدابیر و اقدامات سرکوب‌گرایانه، کیفری، غیرکیفری و پیش‌گیرانه را در بر می‌گیرد. و با توجه به آنچه تا کنون گفته شد، تفاوت‌های اساسی میان تعاریف ارائه شده از سیاست جنایی آشکار می‌گردد. به طور کلی می‌توان گفت که تمامی این موارد به دو تعریف مضیق و موسع از سیاست جنایی بر می‌گردد.

۲-۲. مفهوم مضیق و موسع

تعریف مضیق از سیاست جنایی، بر پایه‌ی برخورد قدیمی و سنتی با جرم بنا گردید. در این تفکر، نظام کیفری برای مبارزه با جرم کفایت می‌کرد. در این دیدگاه سیاست جنایی عبارت است از: سیاست‌های اتخاذی در قبال جرم که منحصر به برخورد کیفری از طریق سیستم قضایی است. از آن جا که دستگاه قضایی نهادی دولتی می‌باشد، «دولتی بودن» در این سیاست، امری ضروری است (مهرآبادی و اسفندیاری، ۱۳۹۶: ۱۹). همچنین مبارزه با انحراف، مشمول این سیاست نیست، زیرا سیستم کیفری تنها صلاحیت «رسیدگی به جرایم» را دارد. سیاست کیفری تنها برخوردی حقوقی با پدیده‌ی جنایی است و ابزار آن مجازات و اقدام‌های تأمینی و تربیتی است. به هر حال سیاست جنایی در معنای مضیق، همان سیاست کیفری است.

سیاست جنایی در معنای موسع، تنها به اقدامات کیفری بسنده نمی‌کند و تدابیر اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... را نیز در بر می‌گیرد. بنابراین تفکر سیاست جنایی، کلیه‌ی تدابیری است که در مقابله‌ی با جرم و انحراف توسط دولت و جامعه اتخاذ می‌شود (قیاسی، ۱۳۸۵: ۴۰-۴۱). در مفهوم اخیر سیاست جنایی در قلمرو وسیع‌تری به نام «سیاست عمومی» یک کشور واقع می‌شود. بدین معنا که قوای عمومی یک دولت در سطوح بالا و نه صرفاً سازمان‌های قضایی و پلیسی آن، در برنامه‌ریزی و اجرای آن شرکت دارند. منظور از اصطلاح سیاست جنایی در این نوشتار، معنای موسع آن می‌باشد.

۳. چارچوب نظری تحقیق

۳-۱. اصول حاکم بر حقوق دفاعی متهم در مرحله تحت نظر

اصول حاکم بر حقوق دفاعی متهم، از ابزارهای ایمن در اولین ساعات اجرای عدالت کیفری و مجموعه‌ای از ابزارهای عملی است که برای به اشتراک گذاشتن شیوه‌های مناسب در بین کشورها با اجرای اسناد بین‌المللی و انطباق با آن به کار گرفته می‌شوند. این اصول در کلیه قوانین کیفری داخلی قابل اجرا و لازم‌الرعایه هستند و سایر مقررات باید در انطباق با این اصول تنظیم گردند. هدف این اصول جلوگیری از شکنجه متهمان و مظنونین و سایر رفتارهای ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز علیه آنان است. سازوکارها و رویه‌های مربوط به حقوق داخلی برای جلوگیری از اجحاف در حق شخص مظنون و سایر انواع بدرفتاری یا مجازات‌های غیرمنصفانه یا پیش از موعد اصلاح شده و مقامات برای محافظت از افراد در مقرر پلیس به کار می‌بندند و برای بزه‌دیدگان نیز راه حل‌هایی ارائه می‌دهند.

اصول حاکم بر مرحله تحت نظر کمک می‌کند تا اقدامات محافظتی در اولین ساعت بازداشت پلیسی برای کمک به شخص مظنون فراهم شود. دولت‌ها نیز متعهد به اعمال این حقوق در قوانین اساسی و عادی خویش هستند. اعمال این اصول باید به شیوه‌ای باشد که بیم سوء استفاده یا تفسیر موسع را از بین ببرد. این اصول هرچند به‌عنوان ابزاری برای

محافظت از افراد عادی به کار می‌رود لیکن ممکن است برای افراد آسیب‌پذیر یا در معرض خطر، نیاز به اقدامات بیشتر باشد و اصول اختصاصی لازم آید.

۱. اصول برائت، قانونی بودن و دسترسی به وکیل: اصل یا فرض برائت بر اساس ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ بیان می‌دارد: «هر شخصی که متهم به ارتکاب یک جرم کیفری می‌شود حق دارد که بی‌گناه فرض شود مگر این‌که تقصیرش، مطابق قانون در یک دادگاه علنی که در آن تمامی تضمینات لازم برای دفاع پیش‌بینی شده‌باشد، ثابت شود». این اصل منطبق با فرض بی‌گناهی است که در اسناد بین‌المللی و حقوق کشورهای توسعه‌یافته شناخته شده است.

اصل قانونی بودن جرم و مجازات بدان معنی است که تحمیل مسئولیت کیفری و مجازات باید فقط براساس مصوبه قبلی و با دقت و وضوح کافی باشد. آموزه‌هایی که اصل قانونی بودن را تشکیل می‌دهند عبارت‌اند از: لغو آموزه‌های کیفری موجود در حقوق عرفی، منع ایجاد رویه قضایی براساس قواعد کیفری آتی، منع تفسیر موسع قوانین کیفری، منع اعمال قوانین کیفری منسوخ و عدم اعتبار قوانین کیفری مبهم (Robinson, Paul, ۲۰۰۵, ۳۳۷).

۲. اصل قانونی بودن: در حقوق کیفری ایران، دادرسی کیفری باید مستند به قانون باشد، حقوق طرفین دعوی را تضمین کند و قواعد آن نسبت به اشخاصی که در شرایط مساوی به سبب ارتکاب جرائم مشابه تحت تعقیب قرار می‌گیرند به صورت یکسان اعمال شود.^{۱۵} افراد در پرتو این اصل مطمئن می‌شوند تا وقتی مرتکب هیچ یک از جرائم مصرحه در قانون جزا نشده‌اند تحت تعقیب قرار نخواهند گرفت و اطمینان حاصل می‌کنند به‌موجب این اصل در صورت ورود به چرخه دادرسی کیفری، از کلیه حقوقی که قانون برای وی در نظر گرفته در تمام مراحل بهره‌مند شده و حق مطالبه آنها را خواهد داشت.

کنترل قضایی برای اطمینان از پاسخگویی مسئولان مجری قانون در مورد دستگیری‌های انجام‌شده ضروری است. مأمورین اجرای قانون موظفند فرد دستگیر شده را فوراً به مرجع قضایی معرفی کنند تا قانونی بودن این بازداشت را مشخص نمایند. دوره مجاز معمولاً در مقررات داخلی مشخص می‌شود. لیکن در هر صورت نباید از چند روز فراتر رود. رعایت کامل اصل قانونی بودن مانع دستگیری‌های خودسرانه می‌شود. به‌همین دلیل است که اصول حمایت از همه اشخاص تحت هرگونه بازداشت یا حبس در اصل دوم خویش بیان می‌دارد: «دستگیری، بازداشت یا حبس تنها باید دقیقاً طبق قانون و توسط مقامات ذیصلاح یا اشخاص مجاز برای این منظور انجام شود» (Ibid)، لذا افرادی که برای دستگیری مجاز می‌شوند باید مهارت‌های حرفه‌ای لازم را دارا باشند تا بتوانند با ارزیابی عینی و کافی در وضعیت‌های خاص، انتخاب‌های صحیح داشته‌باشند.

۳. اصل دسترسی به وکیل: متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی خود به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره‌مند شود.^{۱۶} با شروع تحت نظر قرار گرفتن، متهم می‌تواند تقاضای حضور

^{۱۵} - ماده ۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲.

^{۱۶} - ماده ۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲.

وکیل نماید. وکیل باید بارعایت و توجه به محرمانه بودن تحقیقات و مذاکرات، با شخص تحت نظر ملاقات کند، وکیل می‌تواند در پایان ملاقات با متهم که نباید بیش از یک ساعت باشد ملاحظات کتبی خود را برای درج در پرونده ارائه دهد.^{۱۷} اصل ۳۵ قانون اساسی نیز بر حق انتخاب وکیل و در صورت عدم تمکن، در اختیار نهادن وکیل تصریح کرده‌است.

بررسی دامنه این حق نیازمند داشتن حق دسترسی به وکیل در زمان دستگیری و تحت نظر بوده و نیازمند بهره‌وری کارا و عملی از این حق توسط شخص مظنون است. متهم باید حق داشته‌باشد بدون تأخیر ناخواسته و به‌ویژه قبل از محرومیت از آزادی و بازجویی، به یک وکیل دسترسی داشته‌باشد. مظنون حق دارد با وکیل خود به صورت خصوصی و محرمانه ارتباط برقرار کند. در حقوق انگلستان، در صورت صلاحدید مظنون، وکیل می‌تواند در هنگام بازجویی نیز حضور داشته‌باشد و به طور مؤثر در این امر مشارکت کند (Blackstock, Jodie; Cape, Ed; Hodgson, Jacqueline, ۲۰۱۴, ۳۴). وکیل باید مجاز باشد در اقدامات تحقیقاتی پیرامون گردآوری ادله مانند احراز هویت اشخاص معرفی شده توسط متهم یا شناسایی وی توسط دیگران و بازسازی صحنه جرم به‌همراه شخص مظنون شرکت کند. گاهی این اصل استثنائاتی به خود می‌گیرد. اگر متهم نخواهد این اصل در حق وی اعمال شود، باید اطلاعات کافی و شفاف به صورت مکتوب یا شفاهی و لزوماً ساده شده و به زبان قابل فهم برای مظنون، در اختیار وی قرار گیرد که حاوی پیامدهای امتناع از این حق و مزایای اعمال حق است. چشم‌پوشی از این حق باید داوطلبانه و غیرقابل انکار انجام شود و هر زمان که ممکن است قابل برگشت باشد.

۴. اصول آگاه سازی، احترام به حقوق و آزادی های مشروع: حق بر تفهیم حقوق متهمان از سوی ضابطان دادگستری را می‌توان زیرمجموعه حق کلی‌تری تحت عنوان حق بر اطلاعات دانست. حق بر اطلاعات به معنای حق دسترسی شهروندان به اطلاعات موجود در مؤسسات حکومتی، یکی از مصادیق مهم حقوق بشر است که در عرصه بین‌الملل مورد توجه جدی قرار گرفته‌است (ساریخانی، ۱۳۹۱: ۳۷). از این روست که حق آگاه‌سازی متهم برای تضمین حقوق شهروندی وی است که در قالب یک مظنون تغییر جهت یافته، لیکن از موقعیت اجتماعی او به‌عنوان یک شهروند نکاسته‌است. در واقع پیش‌زمینه نیل به اصل احترام به حقوق شهروندی، رعایت اصل اطلاع‌رسانی است.

۵. اصل آگاه سازی متهم از حقوق خود: متهم باید از حقوق خود در فرایند دادرسی آگاه شود و سازوکارهای رعایت و تضمین این حقوق فراهم شود.^{۱۸} در راستای اصل مذکور است که شخص تحت نظر می‌تواند به وسیله تلفن یا هر وسیله ممکن، افراد خانواده و آشنایان خود را از تحت نظر بودن خویش آگاه ساخته و ضابطان نیز مکلفند مساعدت لازم را در این خصوص به عمل آورند مگر این که خلاف آن در قانون پیش‌بینی شده‌باشد. در این صورت نیز باید از مقام قضایی دستور مقتضی اخذ شود؛^{۱۹} چراکه امری خلاف اصل در حال وقوع است. همچنین ضابطان مکلفند حقوق مندرج در قانون آیین

^{۱۷} - ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲.

^{۱۸} - ماده ۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲.

^{۱۹} - ماده ۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲.

دادرسی کیفری در مورد شخص تحت نظر را به وی تفهیم و به صورت مکتوب در اختیار وی قرار دهند و رسید دریافت و ضمیمه پرونده کنند.^{۲۰}

مبنای اصلی آگاه‌سازی متهم از حقوق خود از سوی ضابطان، تأمین حقوق دفاعی متهم است که در قالب یک‌سری امتیازات و امکانات لازم برای یک دادرسی عادلانه به متهم اعطا شده‌است تا در مقابل ادعای خلاف اصل برائت و در شرایطی آزاد از خویش دفاع کند. لازمه به‌کارگیری حقوق دفاعی متهم، آگاهی وی از آنهاست. به گونه‌ای که تساوی سلاح‌ها برای متهم در برابر مقامات رسمی رعایت شود و متهم وادار به متهم ساختن خود نشود (قاسمی مقدم، ۱۳۹۴: ۱۳۲).

به‌موجب بند ۳ ماده ۱۴ میثاق جهانی حقوق مدنی و سیاسی، «هر کس متهم به ارتکاب جرمی بشود باید از تساوی کامل از حقوق دفاعی خود بهره مند گردد». یعنی در یک فرایند کیفری با هر دو طرف به نحوی برخورد شود که موقعیت مساوی در دادرسی داشته باشند. مقدمه لازم برای اعمال این اصل، مطلع ساختن وی از این حقوق است. سلاح‌ها و امکانات مقامات رسمی و ضابطان به لحاظ اطلاعات حقوقی و قضایی قابل مقایسه با متهم نیست. قرارگرفتن افراد در محیط کلانتری و یا تحت نظرگاه، یک سری حقوق دفاعی را برای آنها ایجاد می‌کند که اغلب آنان به این حقوق ناآگاه هستند و یا ضربه روحی و آشفتنگی و پریشانی فکری ناشی از آن شرایط، مجال اندیشه صحیح را از آنان سلب و در شرایط نابرابری نسبت به ضابطان دادگستری قرار می‌دهد (همان: ۱۳۳).

۶. اصل احترام به حقوق و آزادی‌های مشروع متهم: در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵ از سوی تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرایند دادرسی مداخله دارند، الزامی است.^{۲۱} در اکثر بندهای این ماده واحده، به ترتیباتی که باید در مرحله تحت نظر مورد توجه قرارگیرند تصریح و از شیوه‌های برخورد با متهم تا محل نگهداری وی در بندهای ۶ تا ۱۲ بیان شده‌اند جالب‌تر این‌که تصریح این قانون به رعایت حقوق شهروندی، به طور کلی نیامده بلکه به طور اختصاصی راجع به متهمان و مظنونین مورد توجه قانونگذار بوده‌است. نخستین تعرضی که به حقوق متهم و سایر شهروندان صورت می‌گیرد از بدو تشکیل پرونده کیفری علیه وی است. ضابطان دادگستری نخستین افرادی هستند که با صحنه جرم، شاکی و متهم روبرو شده و براساس شایستگی‌های اکتسابی از سوی مقامات ذیصلاح و با آموزش و تجربه عمل می‌کنند. هرگونه بی‌اطلاعی ضابطان دادگستری از حقوق شهروندی، توأم با سهل‌انگاری یا تزییع عمدی این حقوق، موجب بدبینی به نظام حاکم خواهدشد. از این روست که ضابطان دادگستری باید آموزش‌های لازم را اخذ کنند. نقش مأموران مجرب و آموزش‌دیده نسبت به سایر مأمورین در مبارزه علیه بزهکاری، حفظ امنیت و آسایش عمومی و مراعات و حفظ حقوق

۲۰ - ماده ۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲.

۲۱ - ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴.

شهروندان نمود بیشتری دارد. قانونگذار به این موارد توجه داشته و در ماده ۳۰ احراز عنوان ضابط دادگستری را منوط به فراگیری مهارت‌های لازم با گذراندن دوره‌های آموزشی تحت نظر مرجع قضایی و تحصیل کارت ویژه دانسته‌است.

۳. اصل مصونیت متهم از تحت نظر قرار گرفتن خودسرانه: به تصریح قانون اساسی مقامات قضایی و ضابطان دادگستری برای انجام تحقیقات در امر جزایی و رفع نقص تحقیقاتی از اختیاراتی برخوردارند که از آن جمله می‌توان به نگهداری متهم در محلی خاص تحت مراقبت و نظارت و محافظت پس از جلب و دستگیری وی اشاره کرد. در قانون آیین دادرسی کیفری نیز مدت نگهداری و تحت نظر قرار گرفتن متهم ذکر شده و در این مدت متهم در بازداشتگاه پلیس و در مواردی در دادگاه تحت‌الحفظ قرار می‌گیرد.

نگهداری تحت نظر گاهی حتی بدون تفهیم اتهام به متهم و صدور قرار یا اتخاذ تصمیم خاص قضایی و گاهی نیز صرفاً به دستور ضابط دادگستری به‌ویژه در جرایم مشهود صورت می‌گیرد. تحت نظر نگهداشتن متهم در عین حال که از اختیارات قاضی کیفری و در مواردی ضابطان دادگستری است و نوعی اقدام تأمینی و در طریق صلاح و مصلحت و اجرای عدالت قضایی محسوب می‌شود، به هر تقدیر سلب آزادی و نوعی حبس است که با نفی حقوق و بر هم زدن امنیت فردی ملازم دارد و چه بسا که به‌ناحق و در اثر اعمال غرض صورت گیرد. در برخی موارد مدت تحت نظر قرار گرفتن متهم به دستور دادگاه افزایش می‌یابد. این در حالی است که در مواردی شخص تحت نظر مانده بی‌گناه شناخته شده؛ اما مورد هتک حرمت و حیثیت قرار گرفته است؛ ولی از نظر قانون و مقامات قضایی و پلیس این موضوع امری عادی و معمولی تلقی می‌شود. دستور تحت نظر ماندن متهم در عمل بسا می‌تواند موجب سوءاستفاده و تضییع حقوق افراد شود. از سوی دیگر، بدیهی است که وجود جواز قانونی برای صدور دستور تحت نظر ماندن متهم نمی‌تواند توجیه‌کننده نفی لزوم اعمال نظارت دقیق و نیز کنترل نحوه استفاده از این‌گونه تهیدات و اختیارات قانونی از سوی ضابطان دادگستری و در دادسرا و دادگاه باشد؛ بلکه اقتضا دارد در راه حفظ حقوق و آزادی‌های فردی و مراعات اصل برائت با وسایل و امکانات فراگیر و دقیق مورد بازرسی و کنترل قرار گیرد.

۲-۳. حقوق متهم در مرحله تحت نظر

دستگیری متهم مستلزم رعایت مقدماتی است که از جمله آنها مدلل بودن تحت نظر قرار دادن، ثبت مشخصات متهم جهت امکان پیگیری از سوی اشخاص ثالث، و رعایت حداکثر زمانی است که می‌توان متهم را تحت نظر نگاه داشت. همچنین حقوق دفاعی متهم و مظنون در این مرحله اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. از آنجا که متهم در ابتدای فرایند دادرسی کیفری قرار گرفته و پیش از آن با جامعه در ارتباط و از حق آزادی بهره‌مند است، سلب این حق مستلزم رعایت برخی از حقوق متهم از ناحیه ضابطان است که منجر به سلب سایر حقوق انسانی فرد شده و بایستی امکان دفاع وی از حقی که سلب شده و موجبات آن فراهم شود. در ادامه به تفصیل هریک از حقوق و مناسبات اداری پیش‌گفته در حقوق ایران، انگلستان و و رویه موجود در این کشور در حد امکان، می‌پردازیم.

۱. **ضرورت داشتن تحت نظر، ثبت مشخصات متهم و رعایت مدت:** پس از تحت نظر قرار دادن متهم، برخی وظایف اداری و قضایی برای ضابطان دادگستری تعریف شده‌است که برخی بسته به نوع مناسبات اداری داخلی، متنوع، برخی دیگر با توجه به اسناد بین‌المللی متحدالشکل هستند. ضرورت و مدلل بودن تحت نظر و محدودیت مدت تحت نظر، برگرفته از رویه بین‌المللی است در عین حال که در اصل ۳۲ قانون اساسی تصریح شده، در قوانین عادی نیز الزامی شده است. برخی دیگر همچون ثبت مشخصات متهم بسته به روند اداری و امکانات پلیس، گستره متفاوتی در هر کشور دارد. در برخی به صورت دستی و در دفاتر مخصوص ثبت می‌شوند و در برخی دیگر به صورت الکترونیکی و شبکه‌ای در دسترس ضابطان و مقام قضائی قرار می‌گیرند. در ادامه به روند مراتب فوق اشاره خواهد شد.

۲. **ضرورت داشتن تحت نظر:** ضابطان دادگستری باید به مقررات دستگیری اشراف کامل داشته‌باشند؛ زیرا تعقیب موفق منوط به قانونی بودن عملیات دستگیری است. اگر این مرحله قانونی باشد، بازرسی و به تبع آن بازجویی نیز قانونی خواهد بود. در غیر این صورت ادله حاصله از روش‌های غیرقانونی دستگیری، از سوی مرجع قضایی پذیرفته نخواهد شد. لذا براساس نظریه میوه درخت مسموم که در آمریکا به‌عنوان یک اصطلاح حقوقی شناخته شده، در صورتی که توقیف و تفتیش غیرقانونی باشد، دلیل حاصل از آن نیز ناپذیرفتنی است. این نظریه ریشه در حقوق عرفی آنگلو- امریکن داشته و برای توصیف ادله‌ای که به صورت غیرقانونی به دست آمده به‌کار می‌رود (Geyer, Florian, ۲۰۰۷, ۲۶۳).

برای انطباق وجود یکی از معیارهای ضرورت دستگیری، چند مؤلفه را می‌توان در نظر گرفت: با توجه به شرایط فردی، پلیس باید وضعیت بزه‌دیده، ماهیت جرم، شرایط متهم و ملزومات فرایند دستگیری را مدنظر قرار دهد (Ibid., Para. ۲۸). هنگامی که نوبت به تفهیم ضرورت دستگیری به شخص مظنون می‌رسد، پلیس باید حقایق، اطلاعات و سایر شرایطی که عامل اعتقاد به ضرورت دستگیری است گردآوری و اقدامات لازم را اجرا کند. برای این منظور باید نام شخص مظنون و نشانی وی مشخص شود، شخص مظنون تحت کنترل درآمد تا به شخص خود و دیگران یا اموال خود یا دیگران آسیب نزنند، دیگران به او آسیب نزنند و شخص مظنون مرتکب جرائم علیه حیثیت عمومی نشود و مسیرهای عبوری را بند نیارد، از کودکان یا سایر افراد ناتوان در برابر شخص مظنون حفاظت شود. تحقیقات سریع و مؤثر در مورد جرم یا رفتار فرد مورد نظر انجام گیرد و آثار جرم ارتكابی در صورتی که شخص مظنون متواری باشد، حفظ شود (Ibid., Para. ۲۹, Part a to f).

در مقررات کنونی آیین دادرسی کیفری ایران، مقدمه تحت نظر قرار گرفتن فرد دستگیری وی در جریان یک جرم مشهود است. ماده ۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری به ضابطان دادگستری اجازه می‌دهد که درباره جرائم مشهود، تمام اقدامات لازم را به منظور حفظ آلات، ادوات، آثار، علائم و ادله وقوع جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم و یا تبانی به عمل آورند، تحقیقات لازم را انجام دهند و بلافاصله نتایج و مدارک به دست آمده را به اطلاع دادستان برسانند. همچنین چنانچه شاهد یا مطلعی در صحنه وقوع جرم حضور داشته‌باشد، اسم، نشانی، شماره تلفن و سایر مشخصات ایشان را اخذ و در پرونده درج کنند.

ضابطان در اجرای ماده ۴۶ این قانون در صورتی می‌توانند متهم را بازداشت کنند که قرائن و امارات قوی بر ارتکاب جرم مشهود توسط وی وجود داشته‌باشد. از این ماده ضرورت دستگیری استنباط می‌شود. برای این که دستگیری ضرورت یابد باید قرائن و امارات قوی بر ارتکاب جرم مشهود توسط مظنون وجود داشته‌باشد. ماده ۴۶ این قانون نیز نگهداری متهم تحت نظر را حتی در جرائم مشهود منع کرده‌است. به‌موجب این ماده «... ضابطان ... نمی‌توانند متهم را تحت نظر نگه دارند. چنانچه در جرائم مشهود، نگهداری متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، ضابطان باید موضوع اتهام و ادله آن را بلافاصله و به طور کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم کنند...». همان‌طور که از عناوین قانونی و آثار مربوطه پیداست، در حقوق کیفری ایران، عنوان «دستگیری» و «نگهداری تحت نظر» دو مؤلفه جدا هستند که دومی به دنبال دیگری قابل اجراست. برخلاف آمریکا که از عبارت دستگیری به جای هر دو استفاده می‌کند و نگهداری تحت نظر را متعاقب دستگیری مفروض می‌داند. همچنان که عبارت «ضروری بودن» تحت نظر نگه داشتن متهم در ماده اخیر برای تکمیل «وجود قرائن و امارات قوی برای ارتکاب جرم مشهود» و تأکید بیشتر بر ماده ۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری آمده‌است. لذا ضرورت تحت نظر قرار دادن متهم، از وجود قرائن و امارات قوی بر ارتکاب جرم مشهود احراز می‌شود. یعنی دو مؤلفه برای احراز ضرورت توسط ضابطان دادگستری لازم می‌آید. اول اینکه، جرم ارتكابی مشهود باشد؛ دوم اینکه، قرائن و امارات قوی بر ارتکاب جرم وجود داشته‌باشد.

ثبت مشخصات شخص تحت نظر: در مقررات دادرسی کیفری ایران، به‌محض آن‌که شخص متهم تحت نظر قرار گرفت، حداکثر ظرف دو ساعت، مشخصات سجلی، شغل، نشانی و علت تحت نظر قرار گرفتن وی، به هر طریق ممکن، به دادرسی محل اعلام می‌شود. اخذ این مشخصات علاوه بر انگیزه احراز هویت به جهت امکان نظارت لازم برای رعایت حقوق این افراد است. دادستان هر شهرستان با درج مشخصات مزبور در دفتر مخصوص و رایانه، با رعایت مقررات مربوط به دادرسی الکترونیکی، فهرست کامل آنان را در پایان هر روز به رئیس کل دادگستری استان مربوط اعلام می‌کند تا به‌همان نحو ثبت شود.^{۲۲}

به موجب ماده ۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری ایران «ضابطان دادگستری مکلفند اظهارات شخص تحت نظر، علت تحت نظر بودن، تاریخ و ساعت آغاز آن، مدت بازجویی، مدت استراحت بین دو بازجویی و تاریخ و ساعتی را که نزد قاضی معرفی شده‌است را در صورت‌مجلس قید کنند و آن را به امضاء یا اثر انگشت او برسانند. ضابطان همچنین مکلفند تاریخ و ساعت آغاز و پایان تحت نظر بودن را در دفتر خاصی ثبت و ضبط کنند».

۳. رعایت مدت تحت نظر: نگهداری تحت نظر با توجه به لزوم رعایت موازین حقوق بشر و همچنین اصول پذیرفته‌شده انسانی از جمله حق آزادی و منع سلب این حق مگر در موارد قانونی، باید محدود به زمان معینی باشد و تجاوز از آن جز با دستور مقام قضایی و پس از اثبات اتهام یا در جرائم مهم که در قانون احصاء می‌شوند، ممکن نباشد. در صورت فقدان

^{۲۲} - ماده ۴۹ قانون آیین دادرسی کیفری.

مقررهای که حداکثر زمان نگهداری تحت نظر را مشخص می‌کند ممکن است به هر بهانه، تأخیرات طولانی در روند بازجویی‌ها ایجاد شود که اصلی‌ترین مشکل در روند کیفری محسوب می‌شود.

فاصله زمانی از لحظه دستگیری تا زمان تحویل به مقامات قضایی در قوانین و آرای دیوان عالی آمریکا تعیین نشده است. لیکن معیار قابل قبول در این کشور عدم تجاوز مدت زمان نگهداری از «آنچه اوضاع و احوال اقتضا می‌کند» است. به عبارت دیگر معیار کیفی تعیین شده است که باید متضمن کمترین میزان توقیف باشد؛ به گونه‌ای که عرفاً موجبات ظن مأمور برطرف شود (کوشکی، ۱۳۹۵: ۲۰۷).

۴. تذکر به شخص تحت نظر، اعلام به مقام قضایی و رعایت ضوابط بازجویی: تذکر یا اخطار حقوق متهم، امری است که در اکثر کشورها به خوبی به اجرا درآمده و در قانون آیین دادرسی کیفری ایران برای اولین بار در سال ۱۳۹۲ به رسمیت شناخته شد. مفاد تذکر به متهم باید از جمله مواردی باشد که در قانون تصریح شده است. در مواد ابتدایی قانون آیین دادرسی کیفری از حقوقی چون حقوق شهروندی به طور کلی، حق داشتن وکیل و حقوق دیگر نام برده شده که ضابطان مکلفند این حقوق را به متهم یادآوری و در صورت درخواست وی، امکان دسترسی به این حقوق را فراهم کنند. هم‌چنین پس از دستگیری برای جلوگیری از سوء استفاده یا تضییع بیشتر حقوق متهم، بلافاصله به مقام قضایی اطلاع و گزارش داده و کسب تکلیف نمایند. در این اثنا ضوابط بازجویی را با رعایت شئون انسانی متهم و قوانین به اجرا درآورند. این گفتار به مباحث فوق اختصاص یافته است.

در حقوق ایران هرگاه متهم تحت نظر قرارگرفت، ضابطان دادگستری مکلفند حقوق مندرج در قانون آیین دادرسی کیفری در مورد شخص تحت نظر را به متهم تفهیم و به صورت مکتوب در اختیار وی قراردهند و رسید دریافت و ضمیمه پرونده نمایند.^{۲۳} تکلیف ضابطین به آگاه‌سازی متهم از حقوق خویش از جمله حق سکوت و برخورداری از وکیل از ماده مزبور برداشت می‌شود؛ لیکن قواعد خاصی راجع به لحظه دستگیری پیش‌بینی نشده است.

به موجب ماده ۴۶ قانون آیین دادرسی کیفری در صورتی که در جرائم مشهود، نگهداری متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، ضابطان باید موضوع اتهام و ادله آن را بلافاصله و به طور کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم کنند و مراتب را فوری برای اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع دادستان برسانند.

به علاوه در مواد ۴۷ و ۴۹ قانون آیین دادرسی کیفری برای ضابطان مقرر گردیده است که، این افراد موظفند حداکثر ظرف یک ساعت پس از این که متهم را تحت نظر قرار دادند، مشخصات و علت تحت نظر قرار دادن وی را به هر طریق ممکن به دادسرای محل اعلام نمایند.

۳-۳. حقوق دفاعی شخص تحت نظر

۲۳ - ماده ۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲.

سلب آزادی فرد مستلزم افزودن حقوقی است که بتواند این سلب حق را جبران نماید. حقوقی که فرد را از تعرض و سوء استفاده مصون داشته و ضابطان را ملزم می‌کند، حقوق انسانی وی را در نظر بگیرند. این حقوق خللی در روند بازجویی ایجاد نمی‌کند و چه بسا به بهبود عملکرد پلیس و انتظام امور و همچنین تسریع در کشف واقعیت کمک کند. به خصوص آن‌جاکه شخص متهم با زبان ضابطان آشنایی نداشته و درک سؤالات و امکان پاسخ بدانها نیازمند اجرای حق تفسیر و ترجمه است. این حق در چارچوب اصل لزوم برخورداری از دادرسی منصفانه و لزوم تسریع در روند رسیدگی توجیه می‌شود. هرچه متهم از روند تحقیقات درک کمتری داشته باشد به همان نسبت این فرایند به دلیل توسل به اقدامات دیگر برای کشف واقع، طولانی‌تر می‌شود.

حق ترجمه، از مهم‌ترین امکاناتی است که حتی اگر در قانون نیز سازوکاری برای آن ارائه نمی‌شد، ضابطان به استناد قاعده «اذن در شیء اذن در لوازم آن نیز هست»، ملزم به اخذ اظهارات متهم به زبانی قابل درک برای وی به واسطه فراهم کردن حداقل امکانات ترجمه بودند. اطلاع‌یافتن از اتهام وارده به منظور تدارک دفاع مناسب و پاسخ‌های مقتضی و منع خودمجرم‌پنداری و اطلاع خویشان و دوستان جهت پیگیری اموری که خارج از مقر پلیس باید ترتیب اثر داده شوند (مانند اجرای حق داشتن وکیل) و درنهایت داشتن وکیل جهت پایش روند بازجویی و استفاده از ابزار قانون برای دفاع از موکل (متهم یا مظنون) از حقوق اولیه‌ای است که ضابطان باید امکانات اولیه برخورداری از آن‌ها را برای متهم فراهم کنند. در ادامه این روند بیشتر بررسی خواهد شد.

مقامی که مسئولیت تعیین نیاز به تفسیر در مرحله پیش از محاکمه را دارد در اکثر کشورها به واسطه قانون مشخص می‌شود که معمولاً جایگاه آن در قوانین جزایی و آیین دادرسی کیفری است. این درحالی است که در برخی کشورها در قالب بخشنامه دادستان کل و تنها به‌عنوان یک توصیه رسمی به دادستان‌ها ابلاغ می‌شود^{۲۴}. در گروهی از کشورها مانند ایرلند نیز به طور کلی پیش‌بینی نشده است. در این کشور به طور معمول مأموران اجرای حق ترجمه و تفسیر، افسران پلیس، دادستان یا دادرسان هستند. لیکن در خصوص نحوه اعمال حق و چگونگی اجرای حق تفسیر و ترجمه در بسیاری از کشورها قواعد خاصی پیشنهاد نشده و در عمل رویه‌ها متفاوت است. در اکثر قریب به اتفاق کشورها، در عمل شخص یا مرجع مسؤول تعیین نیاز به حق تفسیر یا ترجمه را در مرحله بازجویی لازم شمرده و با پرسش‌هایی از شخص مظنون یا متهم به این نیاز پی می‌برد.^{۲۵}

در حقوق ایران، برای مرحله تحت نظر حق ترجمه و تفسیر به رسمیت شناخته نشده است. لیکن پس از ارجاع پرونده به بازپرسی، این مقام باید امکان ترجمه را برای اشخاصی که به زبان فارسی آشنا یا مسلط نیستند فراهم آورد. ماده

^{۲۴} - Ramires Campino, Ana Rita (۲۰۱۵), The right to interpretation and translation and the right to information in criminal proceedings in the EU, Luxembourg, P. ۴.

^{۲۵} - Irish Council for Civil Liberties; Mulvey, Grace; Research and Policy Officer (Justice) and JUSTICIA European Rights Network Programme Manager (۲۰۱۵), The right to interpretation and translation and the right to information in criminal proceedings in the EU, Ireland, P. ۶.

۲۰۰ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: «بازپرس برای شاکی، مدعی خصوصی، متهم، شاهد و مطلعی که قادر به سخن گفتن به زبان فارسی نیست، مترجم مورد وثوق از بین مترجمان رسمی و در صورت عدم دسترسی به مترجم رسمی، مترجم مورد وثوق دیگری تعیین میکند. مترجم باید سوگند یاد کند که راستگویی و امانتداری را رعایت کند. عدم اتیان سوگند سبب عدم پذیرش ترجمه مترجم مورد وثوق نیست». حق تفسیر برای متهمان ناشنوا نیز تنها پس از آغاز مرحله تحقیقات مقدماتی به ترتیب فوق در ماده ۲۰۱ همان قانون به رسمیت شناخته شده است.

ترجمه و تفسیر در ارتباط مشاور حقوقی با شخص متهم یا مظنون به خصوص آن‌جا که در ارتباط مستقیم با هرگونه پرسش و پاسخ یا استماع در روند رسیدگی یا تجدیدنظرخواهی یا سایر مراحل دادرسی واقع می‌شوند لازم است؛ این رویکرد برای نیل به هدف تضمین عدالت در دادرسی‌ها پیش‌بینی شده است. حق اخیر موقعیتی فراهم می‌کند که به موجب آن متهم یا مظنون فرصت می‌یابد تا واقعه رخ داده را برای مشاور حقوقی خود توصیف کند و وی را از اظهارات مغایر با اظهارات پلیس و در عین حال آنچه از منظر متهم رخ داده، آگاه سازد تا بتواند در مرحله دفاع به کار بندد. واضح است که تفسیر و ترجمه باید نه تنها در هنگام بازجویی بلکه در کلیه مراحل دادرسی کیفری، آنجا که دفاع صحیح از متهم یا مظنون لازم می‌آید، به کار بسته شود. اگرچه اکثر کشورها این امکان را برای متهم یا مظنون فراهم آورده اند، لیکن استثنائاتی نیز مشاهده می‌شود. کشورهایی که به طور کلی حق تفسیر و ترجمه را برای متهم به رسمیت شناخته‌اند، در عمل مترجمی که وظیفه ارتباط میان پلیس و متهم را دارد، در ایجاد ارتباط میان وکیل و متهم نیز مساعدت خواهد کرد (Mink, Julia; Adamis, Csaszar, Katalin, ۲۰۱۵, ۶).

۱. **حق اطلاع‌رسانی:** حق اطلاع‌رسانی عنوان کلی برای طیفی از حقوق دیگر است که در قالب این حق گنجانده شده‌اند. در حالی که هریک عنوان حق مستقلی را به خود اختصاص می‌دهند که در صورت عدم توجه به هریک، می‌توان روند دادرسی را به چالش کشیده و گاهی تحقیقات را باطل نمود. حق تفهیم اتهام از مهم‌ترین اطلاعاتی است که باید در اختیار متهم قرار گیرد و چارچوب رویکرد دفاعی وی را در ابتدای امر مشخص می‌کند. حق اطلاع‌رسانی به خانواده و آشنایان امکان برخورداری از امکانات خارج از مقر پلیس برای متهم و جلوگیری از فراموشی سپردن متهم و ناپدید کردن وی را تضمین می‌کند. حق دسترسی به مفاد پرونده نیز به متهم کمک می‌کند که از سندسازی احتمالی و تحقیقاتی که به بیراهه می‌روند اطلاع یافته و با دفاع از خویش و ارائه ادله متعارض با ظواهر پرونده، روند تحقیقات را در مسیر صحیح خویش قرار دهد. کیفیت اجرای این حقوق در ادامه به صورت تطبیقی مورد توجه قرار گرفته است.

بر قاعده کلی به‌روزرسانی اطلاعات راجع به اتهام انتسابی به متهم تنها تا پایان تحقیقات مقدماتی، زمانی که پرونده باید به دادگاه ارسال شود، استثنائاتی وارد است. به‌عنوان مثال در لتونی پس از پایان تحقیقات مقدماتی اگر اطلاعاتی بدست آید که اتهام انتسابی را تغییر دهد یا ضروری باشد که در قرار نهایی اصلاحاتی صورت گیرد، در این صورت باید به متهم اطلاع داده شود (Latvian Centre for Human Rights, ۲۰۱۵, ۳۷). در رومانی مقامی که توسعه قلمرو تحقیقات کیفری یا

اتهام را تجویز کرده، متعهد است متهم را راجع به وقایع جدیدی که به واسطه توسعه تحقیقات کشف شده مطلع کند (Romania Code of Criminal Procedure (1 July 2010, amended 2014), Art. 311 (3)).

۲. حق داشتن وکیل و بهره مندی از معاضدت حقوقی و اعلام آن: دسترسی به مساعدت‌های حقوقی از جمله وکلای دادگستری، مزایایی به همراه دارد که ضرورت ارائه آن را دوچندان می‌کند: حمایت مظنون یا متهم در برابر ارباب، بدرفتاری و شکنجه، تضمین حق دادرسی عادلانه به واسطه جلوگیری از بازداشت خودسرانه و بیش از موعد قانونی، اطمینان از برخورد قانونی و مناسب و کمک به مظنونی برای درک و هدایت روند دادرسی کیفری، کمک به مظنونی که دارای نیازهای ویژه هستند مانند زنان، کودکان و سایر افراد دارای نیازهای ویژه، تضمین انصاف، کارآمدی و تأثیر نظام عدالت کیفری با اطمینان از مؤثر بودن جلسات دادرسی، بهبود رویه قضایی، پاسخگو ساختن دستگاه قضا، آموزش جامعه، بهبود رفتار و تجربیات بزه‌دیدگان و شاهدان، و کاهش هزینه‌های افراد و خانواده‌های آنها و هزینه‌های دولتی برای جلوگیری از دوباره کاری از مهم‌ترین مزایای بهره‌مندی از وکلا و معاضدت‌های حقوقی است.^{۲۶} اهمیت اهداف فوق بهره‌مندی از وکیل را به‌عنوان یک حق مسجل ساخته و لذا وظیفه ضابطان دادگستری است تا این حق را به متهم یا مظنون اعلام کنند.

الف) حق بهره‌مندی از وکیل و یا معاضدت حقوقی: این قسمت به درخواست مشاور حقوقی متهم و نتایج آن می‌پردازد. کسانی که در جریان بازجویی پلیس یا سایر مقامات اجرای قانون قرار می‌گیرند و در مظان یک اتهام قرار می‌گیرند، می‌توانند از مشاور حقوقی بهره‌مند شوند. محرومیت از آزادی به واسطه تشخیص لزوم تحت نظر قرار گرفتن، این حق را پررنگ‌تر می‌کند. اتخاذ این تدبیر برای این است که به طور عملی و کارآمد حق دفاع متهم اعمال شود. افراد مظنون یا متهم باید قبل از بازجویی توسط پلیس یا دیگر مقامات قضایی، پس از انجام تحقیقات اولیه و سایر اقدامات مربوطه جمع‌آوری ادله (در چارچوب قانون)، یا پس از محرومیت از آزادی - هر کدام که زودتر رخ دهد - بدون تأخیر به وکیل دسترسی داشته باشند. انصراف موقت از حق دسترسی به وکیل در مرحله پیش از محاکمه، مجاز است، لیکن فقط با رعایت شرایطی که در قوانین داخلی تعیین می‌شود.^{۲۷} این انصراف کتبی یا شفاهی باشد، باید در پرونده قید شود.

مطابق ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری متهم می‌تواند با شروع تحت نظر، تقاضای حضور وکیل کند. آغاز مرحله تحت نظر دستگیری شخص در جرائم مشهود است. شروع تحت نظر پس از تفهیم کتبی موضوع اتهام و ادله آن به متهم که بلافاصله پس از تصمیم به نگهداری او صورت می‌گیرد، خواهد بود.

^{۲۶} - UNITED NATIONS (2014), Early access to legal aid in criminal justice processes: a handbook for policymakers and practitioners, CRIMINAL JUSTICE HANDBOOK SERIES, New York: UNITED NATIONS OFFICE ON DRUGS AND CRIME, PP. 11-24.

^{۲۷} - THE EUROPEAN PARLIAMENT AND OF THE COUNCIL (22 October 2013), The right of access to a lawyer in criminal proceedings and in European arrest warrant proceedings, and on the right to have a third party informed upon deprivation of liberty and to communicate with third persons and with consular authorities while deprived of liberty, DIRECTIVE 2013/48/EU, Art. 3(5) and (6), and Art. 8.

این برای نخستین بار است که قانون به صراحت اجازه حضور وکیل متهم در مرحله تحت نظر را می‌دهد. با این حال این حضور محدود به ملاقات با متهم و ذکر نکات کتبی در پایان این ملاقات است، نه دفاع از متهم در بازجویی یا حتی حضور در بازجویی. این محدودیت از لحاظ شرایط خاص قضیه (مشهود بودن جرم و تحت نظر قرار دادن متهم) برقرار شده است. لذا با توجه به این که ملاقات با متهم تحت نظر تنها محدود به اختیارات فوق است، تنظیم وکالتنامه و ابطال تمبر مالیاتی در این موارد لازم نبوده و صرفاً ارائه پروانه وکالت معتبر کافی است (خالقی، ۱۳۹۷: ۸۲).

ب) حق اعلام بهره‌مندی از وکیل و یا معاضدت حقوقی به شخص تحت نظر: باید به کسانی که در تحت نظر پلیس قرار دارند گفته شود که می‌توانند در هزمان با یک مشاور حقوقی به صورت رایگان ارتباط داشته باشند. این جزء از ملزومات حق اطلاع‌رسانی به متهم است. حق اطلاع‌رسانی لزوماً به معنای اجباری بودن اجرای آن نیست. لیکن باید شرایط برخورداری از این حق برای متهم تشریح شود.^{۲۸} حق دسترسی به وکیل و حق اخذ مشاوره حقوقی رایگان دو حق متفاوت هستند که وجود و رعایت هر دو حق باید به اطلاع متهم یا مظنون برسد. اطلاع‌رسانی این حق باید به صورت کتبی یا شفاهی با زبان قابل فهم برای متهم یا مظنون، با در نظر گرفتن نیازهای خاص (مانند نیازهای مالی) شخص متهم یا مظنون و ناتوانی‌های جسمی و روحی وی صورت گیرد.

^{۲۸} - THE EUROPEAN PARLIAMENT AND OF THE COUNCIL (۲۲ May ۲۰۱۲), The right to information in criminal proceedings, DIRECTIVE ۲۰۱۲/۱۳/EU, Art. ۳(۱)(b).

با توجه به بررسی های انجام یافته حاصل گردید:

۱. نگهداری تحت نظر اقدامی خلاف اصل احترام به آزادی افراد و استثناء بودن بازداشت است. بر این مرحله از دادرسی کیفری اصول و ضوابطی حاکم است که اختیارات ضابطان دادگستری را محدود می کند. در چارچوب این اصول، دامنه و گستره حقوق دفاعی شخص تحت نظر مشخص می گردد. فرض بی گناهی یا اصل برائت و اصل عدالت در دادرسی، به- عنوان مادر همه اصول ناظر بر دادرسی و تعیین کننده خط مشی نظام عدالت هستند.

۲. اصل قانونی بودن دستگیری و نگهداری متهم تحت نظر و منع دستگیری و بازداشت خودسرانه، ضابطان را در اجرای این اختیار محدود می کند. به طوری که به جهت مخالفت دستگیری و بازداشت با اصل آزادی تن و در امنیت قراردادن جان افراد، ضابطان دادگستری باید دلیل موجهی برای دستگیری فرد داشته باشند و صرف شک به امکان ارتکاب جرم توسط وی، برای سلب آزادی کفایت نمی کند.

۳. دسترسی به وکیل آنقدر در کشورمان مغفول مانده که در میان اذهان عمومی، یک حق قابل سلب و نه یک اصل به نظر می رسد. در حالی که با نگاهی به قانون اساسی ایران، نه تنها این اصل قابل سلب نیست بلکه در صورت عدم امکان دسترسی به وکیل توسط متهم، مقامات ذیربط موظفند بدون اخذ وجه و به صورت رایگان خدمات حقوقی را در اختیار شخص تحت نظر قرار دهند. قانونگذار ایرانی علیرغم تصریح فوق، خلاف اصل آزادی انتخاب وکیل و بی طرفی دستگاه قضا، و با فرار به جلو، خلاف قانون اساسی عمل کرده است.

به نظر می رسد در راستای اعمال کنترل های فوق نیاز به برخی الزمات بعدی است تا اعمال این حقوق را در زمان و مکان متناسب میسر نماید، از جمله:

کانون های وکلا می توانند با تدوین دستورالعمل ها، فنون و روش های برخورد با اشخاص تحت نظر برای وکلا، مجوزها و گواهی های لازم برای اخذ وکالت این افراد را اعطا کنند تا اطمینان حاصل شود کیفیت عملکرد آنها با اشخاص تحت نظر طبق ترتیبات قانونی و در راستای اجرای قانون و پیشبرد رویه صحیح پرونده است. همچنین استانداردهای کیفی برای مساعدت های حقوقی به اشخاص کم بضاعت در مرحله تحت نظر تدوین کرده و سازوکارهای نظارتی بر عملکرد آنها را طراحی و در نهایت برنامه های آموزشی در مورد حقوق مظنونان برای وکلای مدافع به اجرا در آورند.

۱. ساریخانی، عادل، اکرمی-سراب، روح‌الله (۱۳۹۱)، مبانی فقهی حق بر اطلاعات، حکومت اسلامی، سال هفدهم، شماره ۳.
۲. قاسمی مقدم، حسن (پاییز و زمستان ۱۳۹۴)، تفهیم حقوق متهمان از سوی ضابطان دادگستری: با تأکید بر قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال ششم، شماره ۲.
۳. کوشکی، غلامحسین؛ سهیل مقدم، سحر (۱۳۹۵)، مطالعه تطبیقی حقوق شخص تحت نظر در نظام دادرسی کیفری ایران و آمریکا، مجله حقوقی دادگستری، سال هشتادم، شماره ۹۴.
۴. Blackstock, Jodie; Cape, Ed; Hodgson, Jacqueline; Ogorodova, Anna; Spronken, Taru and Vanderhallen, Miet (۲۰۱۴), Inside Police Custody, Training framework on the provisions of suspect's rights, United Kingdom, Cambridge: Intersentia Ltd.
۵. Geyer, Florian (April ۲۰۰۷), Fruit of the Poisonous Tree, Member States' Indirect Use of Extraordinary Rendition and the EU Counter-Terrorism Strategy, CEPS Working Document No. ۲۶۳.
۶. Human Rights Council (۲۴ December ۲۰۱۲), Report of the Working Group on Arbitrary Detention, A/HRC/۲۲/۴۴, Twenty-second session.